

Understanding of metaphorical time pattern among medical and paramedical students. based on gender, age and academic status

Raiisi F¹, Afrashi A², Moghadasin M³, Hajkaram A⁴, Nematzadeh SH⁵

1. PhD Candidate of Linguistics and Cognitive Science, Institute of Cognitive Science Study, Tehran, Iran (Corresponding author), Tel: +989125435896, Email: elhama_raiisi@yahoo.com, ORCID ID: 0000-0001-6496-769X

2. Associate Professor of General Linguistics, Department of Linguistics, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor of Psychology, Department of Education and Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4. PhD of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

5. Assistant Professor of General Linguistics, Department of Cognitive Linguistics, Institute of Cognitive Science Study, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Metaphor is a systematic relationship between two conceptual domains. In metaphor, an experimental or sensual domain called source domain, is related to another domain as target domain. The purpose of this study was to review understanding of metaphorical time pattern in the medical and paramedical students based on gender, age and academic status.

Materials and Methods: This descriptive study included 120 medical and paramedical students of Tehran medical university with minimum undergraduate university degree. Time metaphorical pattern questionnaire which had been designed by Raiisi (2019) on the basis of time metaphor corpus analysis included 3 subscales of object, place and matter. Pearson correlation test, T test, analysis of one-way variance and post hoc test (least significant difference) were used for data analysis.

Results: The results showed that there was no difference between gender and understanding of metaphorical time pattern. Higher educational levels (from undergraduate to postgraduate and specialty courses) led to better understanding of metaphorical time pattern in Persian speaker students. Students of higher age showed improved understanding of metaphorical time pattern in relation to the object subclass.

Conclusion: Perception of the time is not dependent on gender but can be improved with increasing age and higher academic levels.

Keywords: Time metaphorical pattern, Age, Gender, Academic status, Medical and paramedical students.

Accepted: April 24, 2019 Received: June 24, 2019

How to cite the article: Raiisi F, Afrashi A, Moghadasin M, Hajkaram A, Nematzadeh SH. Structures, processes and achievements of the national program of congenital hypothyroidism screening in the Islamic Republic of Iran. SJKU 2019;24(4):56-67.

Copyright © 2019 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

درک الگوی استعاری زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی بر اساس جنسیت، سن و وضعیت تحصیلی

فاطمه رئیسی^۱، آریتا افراشی^۲، مریم مقدسین^۳، آمنه حاج کرم^۴، شهین نعمت زاده^۵

۱. دانشجوی دکتری علوم شناختی- زبان‌شناسی شناختی، گروه زبان‌شناسی شناختی، موسسه آموزش عالی شناختی، تهران، ایران (مؤلف مسئول)، تلفن: ۰۹۱۲۵۴۳۵۸۹۶، پست

الکترونیک: elhama_raisi@yahoo.com، شناسه اراکید: ۷۶۹X-۶۴۹۶-۰۰۰۱-۰۰۰۰

۲. دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی شناختی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

۳. استادیار علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

۵. استادیار زبان‌شناسی شناختی، گروه زبان‌شناسی شناختی، موسسه آموزش عالی علوم شناختی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: استعاره نوعی ارتباط منظم بین دو حوزه مفهومی است. در استعاره یک حوزه تجربی یا حسی که حوزه مبدأ خوانده می‌شود. بر حوزه دیگری که حوزه مقصد است، ارتباط داده می‌شود. هدف این مطالعه، بررسی درک الگوی استعاری زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی بر اساس جنسیت، سن و وضعیت تحصیلی است.

روش بررسی: روش این مطالعه توصیفی از نوع زمینه‌یابی بود. نمونه این مطالعه شامل ۱۲۰ دانشجوی رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه تهران بودند که حداقل تحصیلات در مقطع کارشناسی داشتند و به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزار این مطالعه، پرسشنامه الگوی استعاری زمان بود که بر اساس تحلیل پیکره‌ای استعاره‌های زمان و میزان بسامد حوزه‌های مبدأ زمان توسط رئیسی ۱۳۹۷ ساخته شد و دارای سه عامل شیء، مکان و ماده بود. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون مقایسه میانگین‌های مستقل، آزمون تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی حداقل تفاوت معنادار استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که تفاوت بین زن و مرد دانشجویان در میزان درک الگوی استعاری زمان و زیر مقیاس‌های آن از نظر آماری معنادار نیست. اما با افزایش مقطع تحصیلی از کارشناسی به تحصیلات تکمیلی و دوره‌های تخصص، درک الگوی استعاری زمان بهتر می‌شود. از طرفی، با افزایش سن میزان درک الگوی استعاری زمان در زیرمقیاس شیء بهتر می‌گردد، اما در زیر مقیاس‌های ماده و مکان میزان درک از الگوی استعاری زمان تقریباً در تمام سطوح سنی مشابه است.

نتیجه‌گیری: درک انتزاعی زمان وابسته به جنسیت نمی‌باشد، اما با افزایش سن و وضعیت تحصیلات می‌تواند، بهبود پیدا کند.

کلیدواژه‌ها: الگوی استعاری زمان، سن، جنسیت، وضعیت تحصیلی، دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی

وصول مقاله: ۹۸/۲/۴ اصلاحیه نهایی: ۹۸/۳/۲۴ پذیرش: ۹۸/۴/۳

مقدمه

«استعاره» عبارت است از دادن نامی به چیزی یا ارائه توصیفی درباره چیزی، به نحوی که آن نام یا توصیف، به طور قراردادی یا به شکل متعارف به چیز دیگری متعلق است (۱). زبان، همسو با دیگر توانایی های شناختی، تجارب جسمانی و عوامل فرهنگی تعریف می شود. بنابراین، استعاره مفهومی یا شناختی نیز ابزاری زبانی - شناختی به حساب می آید که بر مبنای آن مفهوم سازی در حوزه های انتزاعی صورت می گیرد. در علوم شناختی، استعاره را نباید صرفاً مربوط به زبان تلقی کرد، بلکه بسیاری از ویژگی های استعاره فراتر از ساخت و عناصر زبانی قرار دارند. در این دیدگاه، استعاره های مفهومی به صورتی گسترده، در زبان و تفکر بشر پراکنده هستند و به تجربیات متفاوت ما انسجام می بخشند (۲). نظام مفهومی و ذهنی انسان (که اندیشه و کردار آدمی بر آن استوار است)، در ذات خود ماهیتی استعاری دارد. اما از آنجا که دسترسی مستقیم به آن مقدور نیست، برای کشف ساختار این نظام، می توان از بازنمود آن، یعنی زبان، بهره جست. در واقع، نظر زبان شناسان شناختی این است که زبان الگوهای اندیشه و ویژگی های ذهن انسان را منعکس می کند. بنابراین، مطالعه زبان از این منظر، بررسی الگوهای مفهوم سازی ذهنی است. نظریه استعاره مفهومی، بسیار تحت تأثیر روان شناسی شناختی و انسان شناسی است و صرفاً یک پدیده زبانی نیست، بلکه سیستم مفهومی ما را سازمان می بخشد (۳).

استعاره نوعی نگاشت یا ارتباط منظم بین دو حوزه مفهومی است. در استعاره مفهومی یا شناختی، یک حوزه تجربی که «حوزه مبدأ» خوانده می شود، بر حوزه دیگری که «حوزه مقصد» است، نگاشت می گردد. این دیدگاه، مبین نقش بدن مندی در درک معنی یا مفهوم است (۴). به عبارت دیگر، انسان دارای بدن است و این بدن اوست که مرزهای دنیای تجربه او را معلوم می کند. بنابراین، هر تجربه معنادار

آدمی، تحت تأثیر شکل و عملکرد بدن او است (۵). بر این اساس، مفهوم «واقعیت تجربی» معرفی می شود. بر اساس واقعیت تجربی، تجارب ما تحت تأثیر بدن شکل می گیرند و شامل استدلال، قضاوت، خرد انتزاعی، خرد عینی و خلاقیت است. بر اساس این دیدگاه، استدلال یا مفاهیم انتزاعی، صرفاً یک ماهیت عالی و کامل ذهن نیستند، بلکه همسو با تجربه های گوناگون بشر رشد می کنند و کامل می شوند (۶). می توان گفت، استعاره های مفهومی مکانیسم های ذهنی هستند که صرفاً نمود زبانی نمی یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، ادبیات و نمادها نیز ظاهر می شوند. استعاره ها، به عنوان ابزاری جهت ارتباط میان دو اندیشه مختلف عمل می کنند. متخصصان علوم شناختی به دنبال کشف نحوه عملکرد استعاره ها در ذهن آدمی از طریق نموده های زبانی هستند. آنها الگوهای موجود در مفهوم واژه ها و عبارات استعاری را به عنوان شاهدهی جهت وجود استعاره های مفهومی ذهنی مورد بررسی قرار می دهند (۷). ما بسیاری از مفاهیم انتزاعی را به صورت استعاری به کار می بریم، مانند، رویدادها، مفهوم علیت، ذهن، خویشتن، اصول اخلاقی، مسائل فلسفی، قضایای متافیزیکی و زمان. «زمان» یعنی، کاوشی درباره سازوکارهای شناختی که به صورت بخشی از ناخودآگاه شناختی برای مفهوم سازی، استدلال و گفت و گو درباره درک زمان به کار بسته می شود. این کاوش با مفاهیم آگاهانه ای شروع نمی شود، بلکه با مفاهیم متعارف، خودجوش و ناآگاهانه در مورد «زمان» آغاز می شود که بخشی از نظام مفهومی روزمره ما را می سازد. در واقع، ما یک تصویر غنی و پیچیده از مفهوم زمان در نظام مفهومی خود داریم، که برای تحلیل آن، از واژه زمان بهره می بریم. به عبارت دیگر، در سیستم شناختی انسان، «زمان» بر حسب خود مفهوم سازی نمی شود، بلکه مفهوم سازی آن عمدتاً استعاری و کنایی است. بدون کمک گرفتن از استعاره، مفهوم سازی زمان واقعاً غیرممکن است. برای مفهوم سازی

زمان از تعدادی استعاره مفهومی استفاده می‌شود، که هر کدام همراه با متافیزیک مفهومی خود هستند. متافیزیک مفهومی که برای استعاره‌های زمان تعریف می‌شود، پرسش-های فلسفی مهمی را پیش می‌کشند. برای مثال، زمان «در ذات خود» یعنی چه؟ چگونه باید از حقیقت متافیزیکی زمان گفت؟ (۸).

چنانکه گفته شد، یکی از روش‌های علمی رایج توصیف زمان از دیدگاه شناختی استفاده از استعاره‌های مفهومی است. به عبارت دیگر، ممکن است در مفهوم‌سازی زمان تجربه‌هایی از مکان فرافکنی شود که کاملاً استعاری هستند. از این دیدگاه، حوزه‌ای از تجربه که انتزاعی‌تر است، یعنی زمان به کمک حوزه‌ای دیگر که عینیت (مانند، مکان یا شیء) بیشتری دارد، درک و بیان می‌گردد. می‌توان گفت، انواع استفاده از زمان در حوزه مبدأ استعاری وجود دارد. حوزه مبدأ می‌تواند پایه‌ای از «مکان» یا «شیء» باشد. برای مثال، چگونه می‌توان از این زمانه پر فشار برون رفت؟ در این جمله، زمان مانند مکانی مفهوم‌سازی شده است که از آن‌جا می‌توان خارج شد. در زبان فارسی، اگر زمانی مشخص مدنظر باشد، گویشوران زبان فارسی، مرزهایی شبیه مرزهای مکانی برای آن قائل می‌شوند. از طرفی، درک زمان مبتنی بر مکان، ریشه ذاتی و طبیعی دارد. دستگاه بینایی انسان دارای گیرنده‌هایی برای درک اشیاء و مکان است. اما برای درک زمان، گیرنده خاصی وجود ندارد. ازین‌رو، طبیعی است که زمان بر مبنای اشیاء و حرکت آنها در مکان درک شود. لیکاف زمان را یکی از حوزه‌های مفهومی انتزاعی می‌داند که بر پایه نظریه معاصر استعاره در قالب حوزه آشناتر مکان، درک و بیان می‌شود و این همان چیزی است که آن را «استعاره زمان به مثابه مکان» می‌نامد (۲). همچنین تحقیقات نشان داده است که یک واقعیت روان-شناختی در مورد استعاره‌های زمان-مکان یا فضا، در اغلب زبان‌ها وجود دارد که گذشته با دست چپ و اشاره به فضای چپ گوینده مفهوم‌سازی می‌شود و سمت راست نشان‌دهنده آینده پیش‌روی گویشور است. این مسئله اشاره دارد به بدن-

مندی در یادگیری مفهوم زمان و مکانیسم‌های مربوط به آن که از طریق آنها استعاره‌های مفهومی کسب می‌شوند (۹). درک و توصیف زمان به کمک مفاهیم دیگری نیز امکان-پذیر است، از جمله، پیوستگی، تداوم و ترتیب زمانی، یعنی هر زمانی گذشته‌ای دارد و آینده‌ای. حرکت و تداوم حرکت می‌تواند به مفهوم جنبش باشد یا به مفهوم تغییر، حرکت می‌تواند مختص گوینده باشد یا مختص زمان. پس ترکیبی انتزاعی از مفهوم مکان، حرکت، تغییر و تداوم زمان در قالب استعاره مفهومی بیان و درک می‌گردد. از سوی دیگر، همین حرکت و تداوم زمان، وجود تقدم و تأخر زمانی، پیوندی انتزاعی بین زمان و مکان را موجب می‌شود (۴). در بنیادی‌ترین استعاره‌های زمان، گوینده‌ای حضور دارد که رو به آینده است و گذشته پشت‌سر او قرار دارد. به این وضعیت، استعاره سمت‌گیری زمان می‌گویند. استعاره سمت‌گیری زمان یک حوزه مبدأ فضایی دارد، اما چیزی درباره حرکت نمی‌گوید. اما گوینده ممکن است ساکن یا متحرک باشد (۸).

استعاره مفهومی «گذشت زمان، حرکت است.»، استعاره بسیار پرکاربرد و متداولی است. در این استعاره زمان حال در مکانی قرار گرفته است که فرد در آن حضور دارد. آینده در مکانی جلوتر از فرد و گذشته در مکانی پشت‌سر یا قبل از گوینده واقع شده است. در این استعاره، هر یک از عناصر یعنی گوینده یا زمان می‌توانند حرکت کنند، در حالی که دیگری در یک مکان ثابت است. بر این اساس، لیکاف دو حالت مختلف از استعاره‌های زمان مبتنی بر مکان را در زبان انگلیسی از هم مجزا کرده است. در حالت اول، گوینده ثابت است و زمان از برابر وی می‌گذرد. این حالت را استعاره «حرکت زمان» می‌نامند. در حالت دوم، زمان‌های مختلف آینده، حال و گذشته «مکان» ثابتی دارند و فرد از میان آن مکان حرکت می‌کند. به این حالت‌ها، استعاره «حرکت گوینده» می‌گویند. در این حالت، زمان‌ها موقعیت-های مکانی ثابت یا مناطق محدودی هستند و گوینده در این حالت، از گذشته به حال و سپس آینده حرکت می‌کند.

به عبارت دیگر، در این حالت‌ها، مقاطع زمانی مانند مسافت-هایی در مکان به نظر می‌آیند (۲).

نوع دیگر استفاده از زمان، نشان دادن توالی رویدادها می‌باشد که لیکاف آن را «رویداد وابسته به زمان» نامیده است. این زمان‌ها (یعنی، رویدادهای معرف زمان)، از طریق حرکت در فضا مفهوم‌سازی می‌شوند و زمان‌ها به صورت محل‌ها یا نواحی محدودی در فضا، یا اجسام و موادی که حرکت می‌کنند، مشخص می‌گردند (۸). برخی از محققان، استعاره‌های حرکتی زمان را مفهومی جهانی می‌دانند. با این حال، همه آنها بر این باور هستند که تفاوت‌های فرهنگی بسیاری بین بازنمایی مفهوم زمان در زبان‌های مختلف به صورت استعاره وجود دارند. در همه زبان‌ها، این واقعیت اساسی وجود دارد که زمان از طریق فضا مفهوم‌سازی می‌شود. این بسط استعاره از فضا به زمان نشان‌دادن جریان و توالی رخدادها در بستر زمان می‌باشد و اغلب این دانش زبانی از طریق بصری‌سازی رخ می‌دهد (۱۰).

در جوامع مدرن، زمان یک کالای با ارزش محسوب می‌شود که ما به صورت نامحدود برای انجام کارهایمان در اختیار داریم. امروزه در جوامع صنعتی، ارزش کار با زمانی که برای آن صرف می‌شود، تعریف شده است و زمان، موجودی بسیار ارزشمند به شمار می‌آید. بسیاری از فعالیت‌های روزمره، در تمام فرهنگ‌ها، بر اساس زمان ارزش‌گذاری مالی می‌شوند. در نتیجه ما زمان را به گونه‌ای درک و تجربه می‌کنیم که گویا می‌توان آن را ذخیره یا خرج کرد، می‌توان آن را هدر داد یا سرمایه‌گذاری کرد. نگاشت‌هایی مانند، «زمان، پول است»، «وقت طلاست»، «زمان، منبع محدودی است» و «زمان، کالای باارزشی است»، از استعاره «زمان، کالای باارزش است»، مفهوم‌سازی می‌شوند (۸).

در نتیجه، بسیاری از محققان در فرهنگ‌های مختلف بر این باور هستند که در زبان‌های مختلف، مفهوم «زمان» بر اساس «مکان» درک و بیان می‌شود. در زیر ساخت انواع مختلف استعاره‌های مربوط به زمان در زبان‌های گوناگون، تجربیات

جهانی مشترکی وجود دارد. بازنمودهای مختلف زمان در زبان‌ها قراردادی نیستند و ریشه در تجربیات بدنی اولیه انسان و همچنین تجربیات فرهنگی دارند (۱۱). همچنین، استعاره‌های حرکتی زمان نیز در اغلب فرهنگ‌ها وجود دارند (۱۲). الگوهای زبانی و فرهنگی بین دو زبان انگلیسی و چینی نشان داده است که در زبان ماندارین استعاره‌های عمودی زمان بیش از انگلیسی به کار می‌روند. همچنین، در زبان انگلیسی استعاره‌های زمان، بیشتر بر مبنای خط افقی شکل گرفته‌اند (۱۳). استعاره‌های زمانی-مکانی در دو زبان چینی و آمریکایی مقایسه شدند و نتایج نشان داد در استعاره‌های حرکتی زبان چینی آینده با پیش‌رو و گذشته با پشت‌سر نمایش داده می‌شوند. این استعاره‌های مربوط به زمان، ظاهراً، بخشی خودکار از ناآگاهی شناختی ما هستند که نه تنها نحوه مفهوم‌سازی رابطه میان رویدادها، مکان، ارزش مالی و مفهوم زمان نشان می‌دهند، بلکه چگونگی تجربه ما از زمان را، نیز تعیین می‌کنند. به همین دلیل است که مثلاً ما اساساً فکر می‌کنیم که رویدادها در (ظرف) زمان یا بر (سطح) زمان رخ می‌دهند (۱۴).

استعاره‌های مفهومی چون ویژگی شناختی دارند، از الگوی رشد شناختی نیز تبعیت می‌کنند. بر این اساس، مطالعات گوناگونی صورت گرفته است. برای مثال تحقیقی نشان داده است که استفاده از استعاره‌های مفهومی باید در مراحل اولیه‌ای که دانش‌آموزان اطلاعات کمی در زمینه مفاهیم دارند، مورد استفاده قرار گیرند. سپس به تناسب سن با توجه به افزایش رشد شناختی، از میزان آنها کمتر شود و از استعاره‌های پیچیده‌تری استفاده شود (۱۵). در طی مطالعه‌ای نتایج نشان داد که درک استعاره‌های مفهومی از روند رشدی پیروی می‌کنند (۱۶). همچنین نتایج پژوهش دیگری نشان داد که کودکان فارسی زبان در رده سنی ۸ سالگی به بعد، مفهوم زمان را به واسطه «حرکت در مکان» درک می‌کنند و نظریه استعاره مفهومی ابزار نظری مناسبی برای بررسی رشد ساختار مفهومی در زبان فارسی است (۱۷). یافته‌های پژوهش دیگری نشان داد که سن فراگیری

الگوی استعاری زمان، نشان داد ضریب اعتبار با استفاده از روش آلفای کرونباخ حاکی از اعتبار مطلوب برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ و برای عامل‌های «ماده» ۰/۷۷، «شیء» ۰/۷۷ و «مکان» ۰/۷۱ است. همچنین، نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داد، پرسشنامه استعاره زمان از سه عامل «ماده»، «مکان» و «شیء» تشکیل شده است که جمعاً ۳۷/۱۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند (۲۰). از رعایت ملاحظات اخلاقی در این مطالعه می‌توان به محرمانه بودن نام و اطلاعات دانشجویان در حین گردآوری اطلاعات و کسب رضایت شخصی جهت مشارکت در این پژوهش اشاره کرد. همچنین، برای تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون مقایسه میانگین‌های مستقل، آزمون تحلیل واریانس یک راه و آزمون تعقیبی حداقل تفاوت معنادار استفاده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، ۱۲۰ دانشجوی رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی به‌صورت در دسترس شرکت کردند. از نظر جنس ۷۸/۷ درصد از پاسخگویان زن و ۲۱/۳ مرد بودند. ۷۵ درصد زیر ۴۰ سال و ۲۵ درصد بالای ۴۰ سال قرار داشتند. از نظر تحصیلات، ۲۰ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دکترا یا تخصص، ۱۸/۳ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۶۱/۱۷ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی بودند (جدول ۱).

نتایج رابطه بین سن دانشجویان با درک الگوی استعاری زمان نشان داد که بین سن دانشجویان با زیرمقیاس «شیء» از نظر آماری در سطح ($P < ۰/۰۵$) معنادار است. به عبارت دیگر، با افزایش سن، میزان درک الگوی استعاری زمان در زیرمقیاس «شیء» بهتر می‌شود، اما در زیرمقیاس‌های «ماده» و «مکان» میزان درک از الگوی استعاری زمان تقریباً در تمام سطوح سنی دانشجویان مشابه باقی می‌ماند (جدول ۲).

مقایسه درک الگوی استعاری زمان با سطح تحصیلات دانشجویان نشان داد که بین میزان درک الگوی استعاری زمان با سطح تحصیلات، از نظر آماری در سطح ($P < ۰/۰۱$)

استعاره‌های زمان همراه با حرکت گوینده، حرکت زمان، حرکت گوینده و زمان با هم و حرکت بدون گوینده به ترتیب در ۴، ۵، ۶ و ۷ سالگی رخ می‌دهند (۱۸). در یک مطالعه مقایسه‌ای درک استعاره‌های حرکتی زمان در کودکان چهار و پنج ساله انگلیسی و ترک زبان، مشخص شد که کودکان انگلیسی و ترکیه‌ای، در سن چهارسالگی قادر به درک استعاره‌های حرکتی زمان هستند و در سن پنج سالگی می‌توانند در مورد این استعاره‌ها قضاوت کنند. همچنین درک استعاره‌ها در کودکان با تغییرات اشارات آنها هنگام رساندن معنی استعاره همگام است. در چهارسالگی بیشتر ژست‌ها و اشارات کودکان در توضیح استعاره‌های مفهومی زمان، با بررسی حوزه مبدأ «مکان» است و در سن پنج سالگی بر مبنی حوزه مقصد یا زمان تغییر پیدا می‌کند (۱۹). بر همین اساس، مطالعه حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که الگوی درک استعاری زمان یا مفهوم‌سازی زمان، در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی بر اساس تحصیلات، سن و جنسیت چگونه است؟

روش بررسی

نوع مطالعه و نمونه‌گیری

روش این مطالعه توصیفی از نوع زمینه‌یابی بود. نمونه این مطالعه ۱۲۰ دانشجوی رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه‌های پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه تهران در سال ۹۸-۱۳۹۷ بودند که حداقل تحصیلات در مقطع کارشناسی داشتند و به‌صورت در دسترس انتخاب شدند.

پرسشنامه محقق ساخته الگوی استعاری زمان

پرسشنامه این مطالعه پرسشنامه الگوی استعاری زمان بود که بر اساس تحلیل پیکره‌ای در حوزه استعاره‌های زمان و میزان بسامد حوزه‌های مبدأ و نگاشت‌های استعاری زمان طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال و با سه زیرمقیاس زمانی «مکان»، «ماده» و «شیء» بود. رئیسی در سال ۱۳۹۷ با هدف بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس

تفاوت معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش مقطع تحصیلی دانشجویان، میزان استفاده از الگوی استعاری زمان «ماده»، «مکان» و «شیء» بیشتر می شود (جدول ۳). همچنین نتایج بررسی تفاوت بین دانشجویان زن و مرد در میزان درک الگوی استعاری زمان، نشان داد که تفاوت بین زن و مرد در میزان درک الگوی استعاری زمان و

زیرمقیاس های آن از نظر آماری در سطح ($P > 0.05$) معنادار نیست. به عبارت دیگر، میزان استفاده از الگوی استعاری زمان در زیرمقیاس های «شیء»، «ماده» و «مکان» تقریباً در زن و مرد دانشجو مشابه است و در این زمینه تفاوت جنسیتی وجود ندارد (جدول ۴).

جدول ۱: توصیف جمعیت شناختی دانشجویان مورد بررسی

متغیرهای جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
جنس		
زن	۹۵	۷۸/۷
مرد	۲۵	۲۱/۳
کل	۱۲۰	۱۰۰
گروه های سنی		
کمتر از ۴۰ سال	۷۵	۶۲
بیشتر از ۴۰ سال	۴۵	۳۸
کل	۱۲۰	۱۰۰
تحصیلات		
کارشناسی	۷۴	۶۱/۷
کارشناسی ارشد	۲۲	۱۸/۳
دکترای تخصص	۲۴	۲۰
کل	۱۲۰	۱۰۰

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین سن دانشجویان با مقیاس های الگوی استعاری زمان

مقیاس های الگوی استعاری زمان	شاخص ها	سن پاسخ گویان
ماده	ضریب همبستگی	۰/۱۳
	معناداری	۰/۱۱۹
	فراوانی	۱۲۰
مکان	ضریب همبستگی	۰/۱۱
	معناداری	۰/۲۰۰
	فراوانی	۱۲۰
شیء	ضریب همبستگی	۰/۱۲۰(*)
	معناداری	۰/۰۱۲
	فراوانی	۱۲۰
نمره کل	ضریب همبستگی	۰/۱۶(*)
	معناداری	۰/۰۴۸
	فراوانی	۱۲۰

(**) معناداری در سطح ۰/۰۱ و (*) معناداری در سطح ۰/۰۵

جدول ۳: مقایسه الگوی استعاری زمان و زیرمقیاس‌های آن بر حسب مقطع تحصیلی

زیرمقیاس‌ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F ارزش	سطح معناداری
بین گروهی	۸۶۲/۵۷۲	۲	۴۳۱/۲۸۶	۸/۸۴۴ ^(**)	۰/۰۰۱
خطا	۷۱۶۸/۲۰۱	۱۴۷	۴۸/۷۶۳		
جمع	۸۰۳۰/۷۷۳	۱۴۹	---		
بین گروهی	۵۱۵/۲۲۰	۲	۲۵۷/۶۱۰	۸/۷۹۲ ^(**)	۰/۰۰۱
خطا	۴۳۰۷/۰۷۳	۱۴۷	۲۹/۳۰۰		
جمع	۴۸۲۲/۲۹۳	۱۴۹	---		
بین گروهی	۴۸۵/۲۹۹	۲	۲۴۲/۶۴۹	۷/۷۵۰ ^(**)	۰/۰۰۱
خطا	۴۶۰۲/۳۶۱	۱۴۷	۳۱/۳۰۹		
جمع	۵۰۸۷/۶۶۰	۱۴۹	---		
بین گروهی	۵۲۸۰/۷۳۷	۲	۲۶۴۰/۳۶۸	۱۰/۴۰۴ ^(**)	۰/۰۰۱
خطا	۳۷۳۰۷/۹۳۷	۱۴۷	۲۵۳/۷۹۵		
جمع	۴۲۵۸۸/۶۷۳	۱۴۹	---		

(**) معناداری در سطح ۰/۰۱

جدول ۴: مقایسه الگوی استعاری زمان و زیرمقیاس‌های آن بر حسب جنس

مقیاس‌ها	جنس	میانگین M	انحراف معیار S.D	ارزش T	درجات آزادی f.d	سطح معناداری P.Value
ماده	زن	۴۴/۴۰	۷/۱۶۰	-۱/۳۳۳	۱۴۸	۰/۱۸۵
	مرد	۴۶/۳۴	۷/۹۰۵			
مکان	زن	۲۸/۶۳	۵/۵۹۱	-۱/۱۰۱	۱۴۸	۰/۲۷۳
	مرد	۲۹/۸۸	۶/۰۲۵			
شیء	زن	۲۶/۱۳	۵/۷۲۲	-۰/۸۵۶	۱۴۸	۰/۳۹۳
	مرد	۲۷/۱۳	۶/۳۰۳			
نمره کل	زن	۹۹/۱۵	۱۶/۲۴۷	-۱/۲۴۶	۱۴۸	۰/۲۱۵
	مرد	۱۰۳/۳۴	۱۹/۰۶۰			

بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی درک الگوی استعاری زمان در زبان فارسی بر اساس جنسیت، سن و مقطع تحصیلی بود. نتایج نشان داد که با افزایش سن دانشجویان، میزان درک الگوی استعاری زمان در زیرمقیاس «شیء» بهتر می‌شود. اما

در زیرمقیاس‌های «ماده» و «مکان» میزان درک الگوی استعاری زمان تقریباً در تمام سطوح سنی دانشجویان مشابه است. میزان استفاده از الگوی استعاری زمان در مقیاس‌های «شیء»، «ماده» و «مکان» تقریباً در زن و مرد دانشجویان مشابه است و با افزایش مقطع تحصیلی از کارشناسی به ارشد و

دکتر یا تخصص میزان استفاده از الگوی استعاره‌ی زمان «ماده»، «مکان» و «شیء» بیشتر می‌شود.

در زمینه تطبیق این پژوهش با یافته‌های پیشین پژوهش‌های مشابه می‌توان به مطالعات انجام شده توسط Zandi و همکاران در سال ۲۰۱۶ (۱۵)، Sadeghi در سال ۲۰۱۳ (۱۶)، Özçalışkan در سال ۲۰۰۷ (۱۹)، Mansoori و همکاران در سال ۲۰۱۷ (۱۸) و Sojoodi در سال ۲۰۱۲ (۱۷) اشاره کرد که تا حدودی با یافته‌های این مطالعه همخوان هستند و همگی نشان‌دهنده این موضوع می‌باشند که درک استعاره‌های مفهومی از سنین کودکی آغاز می‌شود و با افزایش سن و تجارب فردی، سازمان‌یافته‌تر می‌گردد. در نتیجه، در فراگیری و درک استعاره‌های زمان، تجارب شخصی، بالارفتن سن، ویژگی‌های جنسیتی و رشد شناختی صوری می‌توانند مؤثر باشند.

دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی با استعانت از استعاره‌های مفهومی، برای بیان مفاهیم انتزاعی زمان بهره می‌برند، تا از این رهگذر به شناخت بهتری از مفهوم زمان و کارکرد ذهنی - شناختی در باب زمان دست یابند. در تمام کاربردهای استعاره‌ی زمان، آنچه بیشتر از همه به چشم می‌خورد این نکته است که دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی از انواع استعاره‌های زمان با توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی استفاده کرده‌اند. این استعاره‌ها به‌نوعی ویژگی بصری دارند و چون زمان یک مفهوم کاملاً انتزاعی است و مصداق عینی ندارد، دانشجویان برای درک و تعامل در باب زمان ناچار به استفاده از امور عینی برای درک زمان هستند و این عینی‌سازی یا بصری‌سازی در انواع کاربردهای استعاره‌ی زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی مشهود و معلوم است.

یافته‌های این مطالعه همچنین بیان می‌کنند که دانشجویان مقاطع مختلف رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی مانند دیگر گویشوران زبان فارسی، نسبت به زمان حالت انفعالی دارند و این حالت انفعالی ریشه در بنیان‌های تربیتی، فلسفی، تاریخی

و در کل جهان‌بینی ایرانی دارد. به عبارت دیگر، فارسی‌زبانان نوعی «نگرش ذهنی نوروژی» دارند. یعنی همیشه منتظر روزی نو و بهتر هستند، روزی که بهتر از امروز است، اما برای ایجاد آن تلاشی نمی‌کنند (۲۲). احتمالاً به همین دلیل است که دانشجویان در مطالعات و انجام تکالیف تحصیلی خود اهمال‌کاری دارند و اغلب مطالعات خود را به شب امتحان موکول می‌کنند. بنابراین، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که درک استعاره‌ی زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی محدود به چند حوزه بسیار رایج «ماده»، «مکان» و «شیء» است. مفهوم زمان و یا گذر زمان برای دانشجویان این رشته‌ها نیاز به ملموس کردن این مفهوم انتزاعی دارد. این موضوع در برنامه‌ریزی‌های درسی و مدیریت زمان جهت برنامه‌ریزی مطالعات درسی و جانبی برای دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی، چالش‌برانگیز و کمک‌کننده است.

از بعد روان‌شناختی، زمان یکی از موضوعات جالب و بحث‌انگیزی است که در دوره‌های مختلف تاریخ مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه قرار گرفته و از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است. از دید روان‌شناسان و متخصصان علوم شناختی، زمان مفهومی ذهنی، درونی و وابسته به فرد است. از این منظر، مفهوم «زمان» از فردی به فرد دیگر (یا جامعه‌ای به جامعه دیگر) و حتی در یک فرد، از زمانی به زمان دیگر در نوسان است و دچار تغییر می‌شود. Emanuel Kant اولین کسی بود که به جنبه‌های درونی زمان اشاره کرد و آن را ابزاری در ذهن انسان دانسته که وابسته به تجارب فردی و اجتماعی است. درک و چشم‌انداز زمان، در هر فردی، تحت تأثیر فرایندهای جامعه‌پذیری، الگوسازی، تعلیم و تربیت، فرهنگ و سایر عوامل محیطی شکل می‌گیرد (۲۱). همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، «زمان» به عنوان یک حوزه مقصد پیچیده استعاره‌ی - شناختی است که درک آن نیاز به سازوکارهای شناختی و استدلال دارد و بسیاری از کارکردهای اجرایی را درگیر خود می‌-

دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی زمان را بیشتر بصری‌سازی و عینی‌سازی می‌کنند که این امر ریشه در فرهنگ و زبان فارسی دارد.

در نهایت باید اذعان کرد که بررسی درک الگوی استعاری زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی از طریق پرسشنامه الگوی استعاری زمان خالی از اشکال نبوده است و می‌توان در این راستا به محدود بودن نمونه مطالعه به دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی، تحصیلات کارشناسی به بالا (به دلیل ماهیت انتزاعی درک زمان) اشاره کرد. بنابراین، به پژوهشگران جهت مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود که این پرسشنامه را در سایر جمعیت‌ها و در بین دانشجویان غیرپزشکی بررسی نمایند. در خاتمه، به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت، در درک الگوی استعاری زمان بر اساس جنسیت دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی تفاوتی دیده نمی‌شود، اما بر اساس مقطع تحصیلی و سن می‌تواند متفاوت باشد.

تشکر و قدردانی

با تشکر از معاونت‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه تهران جهت هماهنگی‌های لازم در انجام این پژوهش در دانشکده‌های مربوطه، در ضمن عنوان این رساله در موسسه آموزش عالی شناختی با شماره ۱۱۲۵/۹۸ ر در تاریخ ۹۶/۱۱/۳۰ تصویب شده است.

کند (۷). صاحب‌نظران شناختی معتقدند درک استعاری انسان براساس ادراک غیراستعاری وی بنا می‌شود. انسان موضوعات انتزاعی، ناملموس و فاقد ساختار را از طریق موضوعات عینی و سامان‌یافته‌تر درک می‌کند. این امر از ساده‌ترین امور روزمره تا پیچیده‌ترین مفاهیم علمی و انتزاعی را در برمی‌گیرد. نظام استعاری به دلیل ماهیت شناختی دارای ویژگی‌های قراردادی، ناخودآگاهانه و خودکار است. بدین معنا که انسان‌ها از استعاره‌ها به صورت مداوم، ناهوشیارانه و بدون هیچگونه تلاش آگاهانه ذهنی استفاده می‌کنند.

نتیجه‌گیری

استعاره مفهومی زمان، دارای جنبه‌های مهم شناختی در درک و مفهوم‌سازی زمان است. زیرا درک بنیان استعاره ارتباط مستقیمی با رشد شناختی بشر دارد و هرچه میزان سن و سطح تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، بر دانش و تجارب آن‌ها افزوده می‌شود. در نتیجه، دانش‌های زبانی و غیرزبانی گسترش می‌یابند. این اکتسابات، قدرت استدلال را بالا می‌برند، درک مفاهیم انتزاعی را تسهیل می‌کنند و با گسترش و رشد شناختی صوری و فراضوری، درک استعاره‌ها آسان می‌شود. اما بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، تفاوتی بین دو جنس در درک استعاره‌های پیچیده زمان مشاهده نمی‌شود و اگر به صورت پراکنده چنین نتیجه‌ای در پژوهشی دیده شود، جنبه کلیشه‌سازی و سوگیری جنسیتی دارد. بر اساس یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت

References

1. Brown HD. Principles of language learning and teaching. 5th ed. London: Pearson Education ESL, 2006: 94-117.
2. Lakoff G, Johnson M. Metaphors we live by. 1st ed. Chicago: University of Chicago Press, 2003:11-13.
3. Evans V, Green M. Cognitive linguistics: an introduction. 1 ed. Mahwah, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates Publishers, 2006: 286-29.
4. Lakoff G. What is a conceptual system? in overton and palermo (eds.), The nature and ontogenesis of meaning. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates Publishers, 1994:40-5.
5. Johnson M. Image schematic bases of meaning, RSSI (Researches symbiotic semiotic inquiry). Oregon: University of Oregon Press, 1989:109-18.

6. Lakoff G. Women, fire and dangerous things: what categories reveal about the mind. London: Chicago University Press, 1987:289-301.
7. Kövecses Z. Metaphor: A practical introduction. 2nd ed. New York: Oxford University Press, 2010:113-18.
8. Lakoff G, Johnson M. Philosophy in the flesh: The embodiment and its challenges to western thought. New York: Basic books, 1999:631-4.
9. Santiago J, Lupianez J, Perez E, Jesus Funes M. Time (also) flies from left to right. Psychon Bull Rev 2007;14:512-6.
10. Filchenko A. Forward to the past? - Space and time in khanty language and gesture. time and language. Book of abstracts. Organized by the linguistic association of Finland, 2016:22-4.
11. Alverson H. Semantics and experience: Universal of Time in English, Mandarin, Hindi, and Sesotho. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1994:137-43.
12. Fauconnier G, Turner M. Rethinking metaphor. In: Gibbs R. (ed), Cambridge handbook of metaphor and throughout. Cambridge: Cambridge University, 2008: 53-66.
13. Fuhrman O, Mc Cormick K, Chen E, Jiang H, Shu D, Mao S, Boroditsky L. How linguistic and cultural forced shape conceptions of time: English and Mandarin time in 3D. Cogn Sci 2011; 35:1305-28.
14. Zhou Y, Fan Y. A contrastive study of temporal spatial metaphor between Chinese & attention. TPLS 2015;5:119-23.
15. Zandi B, Roshan B, Ghā H, Moghaddam S, Babasalar Z. Cognitive content-analysis of function metaphors in elementary school Farsi textbooks. Quarterly Journal of Educational Innovations 2016;15:7-22. [In Persian]
16. Sadeghi SH. Evaluation of metaphorical language development among Persian children: A comparative study. Lan Sci J 2013;1:145-67. [In Persian]
17. Sojoodi F. Metaphor of time in persian children books (a, b, c age groups): a cognitive approach. LCQ 2012;5:50-70. [In Persian]
18. Mansoory B, Nematzadeh SH, Afrashi A. The acquisition of spatial metaphors of time in persian speaking children. Zaban shenakht (Language Studies) 2017;8:137-62. [In Persian]
19. Özçalışkan, Ş. Metaphors we move by: children's developing understanding of metaphorical motion in typologically distinct languages. Met Sym 2007;22:147-68.
20. Raiisi F. A comparative study of conceptual metaphors of time in persian: a cognitive and corpus-based approach [dissertation]. Tehran: Institute of Cognitive Science Study; 2017.
21. Seginer R. Adolescent future orientation: an integrated cultural and ecological perspective. Online Readings in Psychology and Culture 2003:2307-0919.1056.
22. Hajian K, Kambuziyā AK. A survey of the orientational metaphors in Qur'an: a cognitive approach. LCQ 2010;3:116-39. [In Persian]